

Critical Discourse Analysis of Surah Al-Burooj from the Perspective of Norman Fairclough

Mohamad nabi ahmadi*

Fereshte yazdani**

Abstract

The analysis of the discourse discovers the relation between the function of the language and the social and political context in which the language is used. In this approach, issues such as gender, ethnicity, cultural differences of ideology and identity, as well as the way of their formation and expression in the form of the text are discussed. Critical Discourse Analysis examines ways in which the language of a social relationship is created, and on the other, it forms through these relationships. Critical analysts in the first place gain a comprehensive analysis of the context of the text, and in the next step they explain and translate the results. In the following, they construct the texts under investigation. Thus, by examining the linguistic features of the text, it opens the ideologies of the text. In this essay, we find that all of the significant indications that exist in Surah Bourjour from the perspective of the analysis of the Norman Fier Fairclough's critical discourse are described in three levels: Which is based on linguistic characteristics such as physiognomy, syntax, word making or mere, semantics and then at the level of interpretation: Taking into account the texture of intertextual concepts and interactions and at the level of explanation : Which explains why the production of such a surah is among the available facilities in the language for the production of text in relation to cognitive factors, discourse, ideology.

Keywords: Quran, Surah Al-Burooj, Linguistics, Critical Discourse Analysis, Fairclough.

* Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Razi University, Kermanshah, mn.ahmadi217@yahoo.com

** PhD student in Arabic language and literature, Razi University, Kermanshah (Corresponding Author), f.yazdany2015@gmail.com

Date received: 23-06-2020, Date of acceptance: 14-12-2020

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

تحلیل گفتمان انتقادی سوره بروج از منظر نورمن فیرکلاف

محمد نبی احمدی*

فرشته یزدانی**

چکیده

تحلیل گفتمان انتقادی یکی از برجسته‌ترین نظریات معاصر زبانی است. این پدیده زبانی، ارتباط میان کارکرد زبان و بافت‌های اجتماعی و سیاسی بکار رفته در بستر آن را باز می‌کاود. رویکرد گفتمان انتقادی روش‌هایی را بررسی می‌نماید که از آن طریق، زبان در ارتباطی دوطرفه از یک سو سبب ایجاد روابط اجتماعی گردیده و از سوی دیگر خود نیز در بستر این روابط شکل می‌گیرد. تحلیل گران انتقادی با تحلیل بافت متن و سپس تبیین و تفسیر نتایج آن، به بررسی ساخت متون پرداخته و ایدئولوژی‌های نهفته در سیاق متن را رمزگشایی می‌کنند. سوره بروج یکی از سوره‌های خاص قرآنی است که با ساخت واژگانی و بافت موقعیتی و داشتن اهداف تربیتی دارای ساختاری گفتمانی می‌باشد. امروزه تحلیل گفتمان انتقادی افق‌های جدیدی را در مطالعات دینی - قرآنی گشوده است. این پژوهش برآن است که با روش توصیفی - تحلیلی، تمامی نشانه‌های معناداری را که در سوره بروج وجود دارد از منظر تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فیرکلاف (۱۹۸۹) در سه سطح توصیف، تبیین و تفسیر مورد تحلیل و بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، سوره بروج، زبان‌شناسی، تحلیل گفتمان انتقادی، فیرکلاف.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران، mn.ahmadi217@yahoo.com

** دانشجوی دکتری، زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)،

f.yazdany2015@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۴

۱. مقدمه

اصطلاح تحلیل گفتمان (Discourse Analysis) نخستین بار در مقاله زیلگ هریس (Zellig Harris)، زبان‌شناس معروف آمریکایی به کار رفت. هریس نگاه صورت‌گرایانه یا ساخت‌گرا به جمله داشت. (آقاگلزاده، ۱۳۸۵، ص ۷۷). ریشه واژه گفتمان از فعل یونانی "دیسکوریس" (Discourse) به معنی حرکت سریع در جهات مختلف می‌باشد. (عضدانلو، ۱۳۸۰، ۱۶) و به لحاظ اصطلاحی گفتمان قطع معناداری از زبان است که دارای اجزایی به هم متصل و هدفی خاص می‌باشد. (یارمحمدی، ۱۳۸۳، ص ۱) تحلیل گفتمان بر دانش زبانی فراتر از واژه، بند، عبارت و جمله تأکید دارد که برای ایجاد یک ارتباط موفق ضروری می‌نماید. (سلطانی، ۱۳۸۷، ص ۲۸) این رویکرد، به بررسی الگوهای زبانی درون متن و نیز ارتباط میان زبان و بافت‌های اجتماعی و فرهنگی که متن در بستر آنها به کار می‌رود، می‌پردازد. نورمن فیرکلاف (Norman Fairclough) (۱۹۸۹) برجسته‌ترین زبان‌شناس معاصر است که با نگرشی متفاوت به مطالعه در حوزه زبان و گفتمان پرداخت و آن را مطالعه زبان انتقادی نامید. وی هدف اصلی تحلیل گفتمانی را بررسی رابطه گفتمان و روابط قدرت در جامعه می‌داند.

هر یک از سوره‌های قرآن کریم به صورت داستانی بیان شده که منطبق و هماهنگ با همان سوره است و با صحنه پردازی‌های دقیقی که از هر سوره ارائه می‌دهد، تصویری زنده و پویا از سوره را در ذهن‌های مخاطب ایجاد کرده است. به این ترتیب هر کدام از سوره‌ها با توصیفات و تفسیرهایی که دارد به تدریج در خدمت تبیین اندیشه‌های اجتماعی و اصلی مردم در می‌آید و با ایدئولوژی خاصی که دارد اهداف خود را به صورت بسیار دقیق برای خواننده بیان می‌کند.

در این پژوهش سعی بر آن شده است تا سوره بروج از منظر گفتمان انتقادی نورمن فیرکلاف مورد بررسی قرار گیرد و ثابت کند که در متن قرآن عناصری هست که علاوه بر اینکه به یکدیگر مرتبط هستند، کلیتی را می‌سازند که به آن گفتمان می‌گویند. این عوامل در فرایند بوجود آمدن سوره و هم تفسیر آن مؤثرند و هم در جهت تبیین و ارزش‌گذاری‌های این سوره و نقش آن در جامعه و اثرات مثبت آن بر مردم را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است در ترجمه آیات سوره بروج از ترجمه آقای ابوالفضل بهرام‌پور استفاده شده است.

این پژوهش به سؤالات زیر پاسخ می‌دهد:

۱. بافت بیرونی سوره بروج چه گزاره‌هایی را در بر می‌گیرد؟

تحلیل گفتمان انتقادی سوره بروج از منظر نورمن فیرکلاف (محمدنبی احمدی و فرشته یزدانی) ۵

۲. بافت درونی سوره بروج در مرحله تفسیر شامل چه مواردی است؟
۳. بافت تبیینی سوره بروج و باز تولید آن در جریان کنش گفتمانی چیست؟

۲. پیشینه پژوهش

در این مقاله سعی بر آن شده است تا سوره بروج از منظر تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فیرکلاف و سطوح مختلف آن بررسی شود. تفاوت این جستار با سایر پژوهش‌های حاضر در این زمینه در نوع نگرش نگارنده آن است که با دیدی متفاوت، نظریه گفتمان انتقادی فیرکلاف را در این سوره بررسی می‌کند. مقاله‌هایی که تاکنون در این زمینه نوشته شده است، عبارتند از:

گفتمان‌کاوی سوره شمس بر اساس الگوی فیرکلاف نوشته ابراهیم فلاح و سجاد شفیعی پور (۱۳۹۷).

تحلیل گفتمان آیات مربوط به قیامت در دو جزء آخر قرآن اثر سید حسین سیدی و زهرا حامدی شیروان (۱۳۹۱).

بررسی گفتمان انتقادی سوره یوسف (ع) بر اساس الگوی نورمن فیرکلاف از محمد مؤمنی (۱۳۹۵).

۳. چارچوب نظری پژوهش

نورمن فیرکلاف^۱ یکی از شخصیت‌های برجسته در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی است. در نظر او، تحلیل گفتمان انتقادی روشی است که در کنار سایر شیوه‌ها برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته می‌شود. (فیرکلاف، ۱۹۹۵، ص ۲۸) جمع‌بندی فیرکلاف به عنوان یکی از گفتمان‌کاوان انتقادی، نیز در ارتباط با مفهوم گفتمان بیانگر این است که او به گونه‌ای به کارکرد زبان در گفتمان توجه دارد که زبان را سازنده اجتماع و پدید آمده از روابط اجتماعی می‌داند. (رستمی، ۱۳۸۶، ص ۲۴) گفتمان‌فرآیندی ارتباطی است که در دو چارچوب اتفاق می‌افتد. چارچوب زبانی عبارت است از جمله‌های گفتاری که گوینده برای شنونده بازگو می‌کند و چارچوب نوشتاری که نویسنده برای خواننده می‌فرستد. بر این اساس قرآن کریم از سوی خداوند متعال برای گیرندگان (انسانها) با هدف و تبیین اجتماعی خاص و ایدئولوژی حاکم بر آن فرستاده شده است. سه بُعد اصلی گفتمان

عبارتنداز: کاربرد زبان، برقراری ارتباط میان باورها و تعامل در موقعیت‌های اجتماعی است. وظیفه و هدف اصلی مطالعه گفتمان، فراهم آوردن توصیفی یکپارچه از این سه بعد است، به طوری که تأثیر و تأثرات آن‌ها را بر یکدیگر در کانون بررسی قرار دهد. (ون دایک، ۱۳۸۷، ص ۱۸)

رویکرد گفتمان انتقادی فیرکلاف بر سازه‌های اجتماعی مبتنی بوده و تنها به بررسی ساختار زبان نمی‌پردازد بلکه به بررسی افراد و نهادهایی می‌پردازد که شیوه‌هایی برای معناپردازی از متن دارد. لذا این نوع تحلیل گفتمان، تجزیه و تحلیل ساختارها و معناهایی است که بار ایدئولوژیک دارند و در سه سطح توصیف (بافت بیرونی متن) و تفسیر (بافت درونی متن) و تبیین (بافت ایدئولوژی متن) قابل بررسی است. (مکاریک، ۱۳۸۲، ص ۱۶۰) شناخت قرآن در قالبی روشمند نیز توجه بسیاری از اندیشوران را به خود جلب کرده است. زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان و کاربردشناسی و معناشناسی که امروزه در فهم قرآن تأثیر بسزایی دارد، افق‌های جدیدی را در مطالعات دینی گشوده است.

۴. سطوح گفتمان انتقادی فیرکلاف در سوره بروج

۱.۴ سطح توصیفی

در این مرحله، متن جدا از سایر متن‌ها و زمینه و اوضاع اجتماعی بررسی می‌شود. در این سطح در واقع بررسی بافت بیرونی متن از نظر ساختارگرایی و زبان‌شناسی است که در زیر به شرح کلی آن و بررسی تحلیلی این سطح پرداخته می‌شود.

۱.۱.۴ بافت بیرونی متن

هدف تحلیل گفتمان در این سطح، پاسخ به این پرسش است که زمانی که افراد برای انجام امور خود در جهان از دانش زبانی خود بهره می‌گیرند دقیقاً چه اتفافی روی می‌دهد. (پالتریچ، ۱۳۹۵، ص ۱۵) تحلیل گفتمان رابطه‌ی میان زبان و بافت‌هایی که زبان در بستر آن به کار گرفته می‌شود را بررسی می‌کند و این تحلیل و توصیف را هم در تعامل‌های رفتاری و هم در تعامل‌های نوشتاری مورد توجه قرار می‌دهد. هدف اصلی تحلیل گفتمان آن است که درک و ارزیابی عمیقی از متون صورت پذیرد و به این پرسش پاسخ داده شود که چگونه متون برای کاربران خود معنای خاصی پیدا می‌کند؟

تحلیل گفتمان انتقادی سوره بروج از منظر نورمن فیرکلاف (محمدنبی احمدی و فرشته بزدانی) ۷

منظور از بافت بیرونی متن مجموعه ویژگی‌های صوری است که در متن یافت می‌شود و به تحلیل انتزاعی متن پرداخته می‌شود. فیرکلاف در سطح توصیفی، ارزش تجربی، ویژگی‌های دستوری و نوع روابط معنایی کلمات (هم‌معنایی، شمول، تضاد)، جملات معلوم و مجهول، وجه‌های خبری، پرسشی، دستوری، نقل قول‌ها، راوی، شخصیت‌های داستان و اسلوب بیان را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. (فیرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۱۶۷)

سوره بروج هشتاد و پنجمین سوره قرآن و جزء سوره‌های مکی است (طبرسی، ۱۴۲۷، ج ۱۰، ص ۶۱۲) این سوره را به این مناسبت بروج می‌نامند که با سوگند آسمانی شروع می‌شود که دارای برج‌هاست. (آلوسی، ۱۹۹۴، ج ۳۰، ص ۱۵۲) سوره بروج درباره سرگذشت اصحاب اخدود و سرنوشت مؤمنان به خدا در روز قیامت سخن می‌گوید و به تکذیب کنندگان قرآن هشدار به عذاب می‌دهد و در آخر قرآن را در لوح محفوظ می‌داند که تمامی اتفاقات عالم، همراه با جزئیات کامل در آن ثبت است و به هیچ وجه قابل تغییر و دگرگونی نیست. (ابن کثیر، ۱۹۹۲، ج ۴، ص ۵۲۴)

۱.۱.۱.۴ ارزش تجربی کلمات سوره بروج

ویژگی‌های صوری دارای ارزش تجربی، با محتوا، دانش و اعتقادات سروکار دارد اما ارزش بیانی با فاعل‌ها و هویت‌های اجتماعی و ارزش رابطه‌ای با روابط اجتماعی سروکار دارد. (فیرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۱۷۱)

محتوای سوره بروج بر ناکامی و عذاب دشمنان دین استوار بوده و شامل دو گفتار است. در گفتمان اول که از آیات «۱-۹» است، قساوت و خشونت دشمنان دین را دربردارد و در گفتمان دوم که آیات «۱۰-۲۲» است ناکامی و عذاب ستمگران در دنیا و آخرت را شامل می‌شود. واکاوی چگونگی انتخاب هر واژه، محقق را به باورها و ارزش‌های نویسنده رهنمون می‌سازد. اینک از طریق یافتن دال‌های مرکزی و شناور حاکم بر سوره بروج به بررسی بار ارزشی که در آیات وجود دارد می‌پردازیم و با توجه به متن به مثابه چارچوب خرد و نیز روابط اجتماعی به عنوان چارچوب کلان، سوره را در کانون تحلیل قرار می‌دهیم.

۱.۱.۱.۴ دال مرکزی

نشانه‌ای است که سایر نشانه‌ها در اطراف آن نظم می‌گیرند، هسته مرکزی منظومه گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می‌دهد و جاذبه این هسته سایر نشانه‌ها را جذب می‌کند.

دال مرکزی نشانه متمازی است که نشانه‌های دیگر حول آن انسجام می‌یابد. این دال، دال‌های دیگر را حمایت می‌کند و آنها را در قلمرو جاذبه معنایی خود نگه می‌دارد. (حقیقت، ۱۳۸۷، ص ۵۴۰)

در گفتمان سوره بروج آیه (إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ) (بروج/۱۲) (ترجمه: همانا مؤاخذه و انتقام خدا بسیار سخت است) دال مرکزی است. در این آیه دلالت واژه «بَطْش» بر معنای برخورد قهرآمیز در کنار دو حرف تأکید و نیز واژه «شدید» میزان شدت انتقام الهی را بیان می‌کنند. این بخش از سوره افزون بر تهدید شکنجه‌گران قریش، با توجه به تعبیر «رَبُّكَ» می‌تواند پیامبر و مؤمنان مورد آزار و شکنجه را امیدوار کرده و به یاری خداوند دلگرم سازد. (أَنَّهُ هُوَ يُدِيءُ وَيُعِيدُ) (بروج/۱۳) (ترجمه: اوست که به حقیقت نخست خلق را بیافریند و باز (پس از مرگ به عرصه قیامت) برگرداند) دو فعل «يُدِيءُ» و «يُعِيدُ» نشانه‌هایی هستند که با توجه به دال مرکزی معنا و مفهوم پیدا کرده‌اند. معرفی خداوند به عنوان تنها منشأ پیدایش نخستین و دوباره هر چیزی، شدت انتقام الهی را تعلیل و تبیین می‌کند. قابل ذکر است که آیه (و هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ) یکی از گزاره‌های ارزشی این سوره است که بار عاطفی موجود در کلمات «الغفور» و «الودود» در به وجود آمدن دال مرکزی و انتقال معنا به مخاطب که بشارت مؤمنان درباره‌ی آمرزش و مودت فراوان خداوند را دربرمی‌گیرد، بسیار مؤثر است

دال‌هایی که دال مرکزی را تقویت می‌کنند و دلالت بر قدرت و عظمت خداوند می‌کند و ناظر بودن خداوند را در همه چیز نشان می‌دهد. در آیه (وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ) (بروج/۷) (ترجمه: و سوختن مؤمنانی که به آتش افکندند مشاهده می‌کردند، آشکار است). قرآن نگاه کاملاً متفاوتی به فرجام حادثه اخذود دارد. گواه بودن خداوند بر همه چیز که در آیه شریفه «۹» بروج بیان شده و ثبت کامل حوادث پنهان و پیدای آن، بدون فراموش گشتن در لایه‌های هزارتوی تاریخ و احاطه کامل خداوند از هر سو بر بندگان و ثبت تمام اعمال در لوحی محفوظ در آیات «۱۵ و ۲۰ و ۲۲» نشان می‌دهد که محتوا و حقایق قرآن برای هرکسی قابل دسترسی نمی‌باشد. این آیات گزاره‌های ارزشی هستند که در حوزه گفتمانی به سر می‌برند و گفتمان‌های مرکزی سعی می‌کنند که بر آنها تسلط یابند و هویت دلخواه خود را به آنها بدهند.

در آیات شریفه (إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ) (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ

الْكَبِيرُ^{۱۱} (بروج/۱۰-۱۱) (ترجمه: آنان که مردان و زنان با ایمان را به آتش فتنه سوختند و توبه نکردند، بر آنها عذاب جهنم و آتش سوزان دوزخ مهیاست. آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند برای آنها البته (در بهشت) باغ‌هایی است که زیر درختانش نهرها جاری است. این بهشت ابد به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است) زمان‌هایی بکار رفته‌اند که مبتنی بر تنذیر و بشارت و پاداش الهی هستند. این گفتمان دوسویه از طریق تفاوت اعتقادات و میزان شناخت و آگاهی و اختیار بین دو گروه متضاد از انسان‌ها در چارچوب سایر گفتمان‌ها شکل گرفته‌اند و با نام‌های کافر و مؤمن و گناه مشرک و خداپرست نقش جدیدی پیدا کرده‌اند. کلمه‌ی فتنه در این آیات ده مرتبه در معنای امتحانی بیان شده است که در آن سوختن و گداختن وجود دارد. امتحان یا فتنه‌ای که اخروی و به معنای جهنم بوده و یا دنیوی است. در واقع این کلمه از جمله عناصری است که از حوزه گفتمانی بیرون آمده و از حالت شناوری رهایی یافته و در چارچوب گفتمان حاکم بر آیات این سوره پهلوی گرفته و با توجه به شرایط جامعه و وجود کفار و مستبدان هویت گرفته و بار معنای جدیدی را به دست آورده است که مسلمانان وظیفه دارند در برابر فتنه‌های حاکم هوشیار باشند.

بعد دیگر حادثه در گزارش قرآن در «آیه ۸» سوره بروج برجسته شده است. آمدن ادات استثنا در این آیه پس از «ما»ی نافیه، ضمن نفی صریح‌گونه انگیزه و زمینه سیاسی، اقتصادی و قومی، منشأ نزاع دو گروه، منحصرأ تقابل کفر و ایمان معرفی شده و کافران به سبب آوردن مؤمنان به خدای یگانه ایمان، از آنها انتقام گرفتند.

۲.۱.۱.۴ راوی و شخصیت‌های داستانی سوره بروج

راوی بخشی از دنیای متن است و روایتی را به بخش دیگری از دنیای متن که به روایت‌گر موسوم است انتقال می‌دهد. این جفت ارتباطی (مؤلف و خواننده) در نظام‌های مجزای واقعیت جای گرفته‌اند. نویسنده چنان حرف می‌زند که گویا راوی است و خواننده چنان پیام را دریافت می‌کند که گویی روایتگر است.

اگر حرف‌های گوینده‌ای را بدون دخل و تصرف برای فرد دیگری نقل کنیم آن را به روش مستقیم نقل کرده‌ایم. نویسنده با گزینش این سبک نگارش بر پایه واقعیت، قصد عمق بخشیدن به حقایق با موضع‌های خاص درباره هستی، زندگی، اجتماع و مردم را دارد. (پالتریج، ۱۳۹۵، ص ۷۸) نقل قول‌ها در سوره بروج مستقیم و از زبان خداوند و در آیات زیر به صورت اول شخص است. (وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ) (وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ) (وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ)

(بروج / ۱-۳) (ترجمه: سوگند می خورم به آسمان و زمین و سوگند می خورم به آینده مشهودی که همه آن را به زودی خواهند دید).

روایت اول شخص تمام اشکال دیگر هویت و فاصله روایی را در بر می گیرد. در متن روایی، راوی صدایی است که سخن می گوید. (مکاریک، ۱۹۵۱، ص ۱۳۳) و به این صورت مسئولیت کنش روایت بر عهده (راوی) است و داستان را به عنوان امری واقعی تعریف می کند. راوی خود گوینده‌ای است که در واقع، گفتمان روایی را تولید می کند. (همان، ص ۱۳۴)

(قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ ۴) (النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ) (إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ) (وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ) (بروج / ۴-۷) (ترجمه: قسم به اینان که اصحاب اخدود (یعنی آن قوم کافری که بر مؤمنان به مکر مسلط شدند و آنها را به خندق‌های آتش در افکندند) همه کشته (یعنی ملعون و مطرود) شدند. همان آتش سختی که بر افروختند و در کنار آن خندق‌های آتش بنشستند و سوختن مؤمنانی که به آتش افکندند را مشاهده می کردند).

خداوند در ابتدا با سوگند سخن خود را آغاز و شروع به روایت داستان اصحاب اخدود می کند تا زمینه را برای آیات بعدی فراهم سازد و در قسمت دیگر از این سوره کافرانی که مؤمنان را تحت فشار قرار داده‌اند را به شدت مورد حمله قرار می دهد و آنها را به عذاب سوزان جهنم تهدید می کند. در حالی که مؤمنان را بشارت به باغ‌های پرنعمت بهشتی می دهد (إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ جَزَاءٌ إِلَّا جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ) (بروج / ۱۰-۱۱) (ترجمه: آنان که مردان و زنان با ایمان را به آتش فتنه سوختند و توبه نکردند، بر آنها عذاب جهنم و آتش سوزان دوزخ مهیاست. آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند بر آنها البته (در بهشت) باغ‌هایی است که زیر درختانش نهرها جاری است. این بهشت ابد به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است). خداوند با بیان نمونه‌های بسیاری از افراد با ایمان که به بشارت‌ها و وعده‌های او قدم در راه رستگاری گذاشته‌اند، به دنبال اثرگذاری در هر نوع مخاطبی است. از این رو در این آیات فقط دعوت به دقت در چپش آنها و یا درک روابط کلمات با هم نیست بلکه مقصودی فراتر از این امور است و با بیانی استوار در صدد ایجاد حس رقابت برای کسب خیرات و ایجاد عبرت در مخاطبان از سرانجام مخالفان است. (هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ) (فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ) (بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ) (بروج / ۱۷-۱۹) (ترجمه: آیا احوال جنود (شاهان گذشته) بر تو حکایت

شده است؟) داستان فرعون و قوم ثمود (که به کیفر کفر و دشمنی با رسل هلاک شدند؟) بلی آنان که کافرنده به تکذیب می پردازند) در آخرین مقطع سوره به عظمت قرآن مجید و اهمیت فوق العاده‌ی این وحی الهی اشاره می‌کند و سوره را با آن پایان می‌دهد. (والله من ورائهم مُحِيطٌ) (بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ) (فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ) (بروج / ۲۰-۲۲) (ترجمه: خدا بر همه آنها محیط است)

۳.۱.۱.۴ اسلوب بیانی

کتاب آسمانی در دعوت انسانها به خداپرستی از اسلوب‌های گوناگونی استفاده می‌کند که این روش‌ها برای مخاطبان قرآن جذاب است، از جمله این روش‌ها، اسلوب بیانی قصص است که در قرآن جایگاه ویژه‌ای دارد. بطور کلی در مورد داستان‌های قرآن سه دیدگاه وجود دارد: حقیقی - تمثیلی - فولکلور (Folklore).

در سوره بروج شواهدی که بر دیدگاه حقیقی دلالت دارد عبارتند از آیات «۱۷ و ۱۸ و ۱۹» که قرآن کریم در این آیات قصص را عبرتی برای خردمندان معرفی می‌کند که با غیرواقعی بودن آنها سازگار نیست، زیرا تأثیر آموزنده در نفس انسان تنها بوسیله نقل واقعیات تاریخ امکان پذیر است. خداوند در این آیات با یادآوری گذشته تاریخ، کیفر را درس عبرتی برای مردم قرار داده است (ملبونی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۲). قرآن کریم جنبه سمبلیک (نمادین یا تمثیلی) داستان اصحاب اخدود را با نفرین بر آنها در آیه «۴» آغاز و برای اینکه اوج سبعت قوم کافر را نشان دهد به صحنه‌های اصلی داستان در آیات «۵-۶-۷» اشاره می‌کند.

قصه‌های قرآنی از باورهای جوامع عربی (فولکلور) و از طریق فنّ خطابه بهره گرفته است. گاهی می‌توان برای اثبات برخی ارزش‌ها از باورهای مخاطب که مورد قبول وی است استفاده کرد هرچند این باورها واقعیت نداشته باشد. (معرفت، ۱۹۹۰م، ص ۸) آیه «۱۰» با بهره‌گیری از دیدگاه فولکلور به نوعی اشاره بر این باور انسان دارد که همگی در جهان آخرت پاداش و کیفر اعمال خود را می‌بینند. بنابراین رویداد گفتمانی که در این آیه شریفه رخ داده و ارزیابی آن بر مبنای معیارهای متفاوت و با توجه به دیدگاه مخاطب مبنی بر واقعی بودن یا غیر واقعی بودن آن و با شاخص‌های سنجش بشری است، از جایگاه بد و عذاب دردناک کافران خبر می‌دهد.

۴.۱.۱.۴ عوامل ربطی

روش دیگری که از آن طریق زبان باعث انسجام متن می‌شود، استفاده از عوامل ربطی است. این عناصر عبارت‌ها، بندها یا بخش‌هایی از متن را به هم متصل می‌سازد و میان آن‌ها "رابطه معنایی منطقی" برقرار می‌کند. عناصر پیوند دهنده بخش مهمی از دانش گفتمانی به شمار می‌رود که گوینده و نویسنده و همچنین خواننده و شنونده متن به هنگام تولید و تعبیر گفتمان از آن بهره می‌برند. (پالتریج، ۱۳۹۵، ص ۱۷)

در این آیات حرف ربطی «و» برای معنای مثبت (قسم خوردن) و برای رابطه تبعی میان آیات و بیان مفهوم افزایش به کار رفته است. (وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ) (وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ) (وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ) (بروج ۱/ ۳-۱) (ترجمه: قسم به آسمان بلند که دارای کاخهای با عظمت است. قسم به روز موعود (قیامت) که وعده‌گاه خلاق است. قسم به شاهد (عالم، پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم) و به مشهود (او قیامت و امت)) این عناصر ربطی یا نقش‌نماها در سامان بخشیدن به گفتمان کمک شایانی می‌کنند و باعث می‌شوند که خواننده سوره درک و تعبیر بهتری از آیات داشته باشد.

حرف ربطی «إِنَّ» در آیات (إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ) (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ) (إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ) (إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ) (بروج / ۱۰-۱۳) (ترجمه: آنان که مردان و زنان با ایمان را به آتش فتنه سوختند و توبه نکردند، بر آنها عذاب جهنم و آتش سوزان دوزخ مهیاست. آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند بر آنها البته (در بهشت) باغ‌هایی است که زیر درختانش نهرها جاری است. این بهشت ابد به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است. همانا مؤاخذة و انتقام خدا بسیار سخت است). وصل شدن جملات در این آیات هم در معنای مثبت و هم در معنای منفی مفهوم تقابل را می‌نمایاند. «إِنَّ» در آیات ده و یازده این تقابل بین دو گروه کافر و مؤمن را به خوبی نشان داده است. همنشینی آن در کنار اسم موصول «الَّذِينَ» در آیه نخست به جهت زشت شمردن نام کافران و تأکید بر این مسئله و در آیه بعدی به قصد عظمت دادن به گروه مؤمنان است که بار مثبت رستگاری را بعد از شکنجه و عذاب نشان می‌دهد و در واقع با موصول آمدن در این آیات خداوند خیر از عقوبت و پاداش می‌دهد. همنشینی «إِنَّ» در آیه دوازده با واژه «بَطْشَ» نوعی تأکید بر سخت بودن عذاب خداوند را یادآور شده و به خوبی بار منفی جمله را به مخاطب القا کرده است. آمدن «إِنَّ» با ضمیر شأن و ضمیر فصل در آیه ۱۳

تحلیل گفتمان انتقادی سوره بروج از منظر نورمن فیرکلاف (محمدنبی احمدی و فرشته یزدانی) ۱۳

سوره بروج همزمان تأکید کننده وجود خالق آسمانها است که آفرینش و مرگ در دست اوست و نیز اختصاص این امر به خداوند و قصر بر آن به خوبی نشان داده شده است.

حرف ربطی «بَل» نیز از عناصر عطفی افزایشی است و در این معنا جملات را به هم ربط می‌دهد. در آیات (بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ) (وَاللَّهُ مِنْ ورائِهِمْ مُحِيطٌ) (بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ) (بروج/ ۱۹-۲۱) (ترجمه: بلی آنان که کافرند به تکذیب می پردازند و خدا بر همه آنها محیط است. بلکه این کتاب قرآن بزرگوار و ارجمند الهی است.) ظرفیت معنایی این آیات با وجود حرف ربط «بَل» برجسته‌تر شده و بار معنایی جمله را افزایش داده است. (آری این قرآن ارجمند است) این جماعت قرآنی را تکذیب می‌کنند که از مجد، بزرگی و شرافت برخوردار است. در این گفتمان به خوبی دیدگاه نویسنده پیام مشخص است. رابطه و پیوند میان نویسنده و متن و مخاطب به خوبی نشان داد شده است. گفتمان خشی و بی‌طرف وجود ندارد و هیچ متنی را نمی‌توان یافت که عاری از این سه عنصر باشد.

۵.۱.۱.۴ ایدئولوژی انواع روابط معنایی

انسجام واژگانی به ارتباط معنایی میان عناصر واژگانی درون متن و به خصوص واژه‌های قاموسی و ارتباط میان آنها اطلاق می‌شود. از مهم‌ترین انواع انسجام واژگانی می‌توان به هم معنایی (ترادف)، تضاد و شمول معنایی اشاره نمود. (پالتریج، ۱۳۹۵، ص ۱۷۳)

(وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ) (بروج/ ۳) (ترجمه: و قسم به شاهد (عالم) ، پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم) و به مشهود (او قیامت و امت) بین شاهد و مشهود از نظر اشتقاق و ریشه ترادف وجود دارد. گرچه کثرت نظریه در مورد معنای شاهد و مشهود دیده می‌شود. به نقل از پیامبر (ص) گفته شده که شاهد حضرت محمد (ص) بوده و مشهود روز قیامت است.

(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) (بروج/ ۱۱) (ترجمه: آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند) افعال «آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» در یک معنا هستند. در واقع بین قسمت اول جمله کسانی که ایمان آوردند و قسمت دوم کلام از نظر معنایی ترادف وجود دارد. ایمان آوردن منوط به اعمال صالح است.

در این آیه شریفه (وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ) (بروج/ ۷) تضاد بین کفار و مؤمنین به خوبی و هوشمندانه به مخاطب منتقل شده است. ضمیر «هُمْ» جانشین برای اسم کفار آمده و به شکل ضمیر آمدن آن بار معنایی منفی این واژه را کاسته است و همنشینی آن

با بکار بردن مستقیم واژه «مؤمنین»، بیش از پیش بر اعجاز کلام الهی تأکید می‌کند. در (الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ) (بروج/۹) تضاد بین سماوات و ارض که از عناصر طبیعی هستند، به آسانی به چشم می‌خورد.

(إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ) (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ) (بروج/۱۰-۱۱) (ترجمه: آنان که مردان و زنان با ایمان را به آتش فتنه سوختند و توبه نکردند، بر آنها عذاب جهنم و آتش سوزان دوزخ مهیاست. آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند بر آنها البته (در بهشت) باغ‌هایی است که زیر درختانش نهرها جاری است. این بهشت ابد به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است.) در این آیات شریفه تضاد معنایی بین کسانی که فتنه کردند و توبه نکردند با کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، صریح بیان شده است. از آنجایی که تضاد قدرت تداعی دارد، از این رو به راحتی می‌تواند در این آیات سبب تلاش ذهنی مخاطب شده و به راحتی مفهوم مورد نظر از این آیات به مخاطب منتقل شود.

(إِنَّهُ هُوَ يُبْدِيهِ وَيُعِيدُهُ) (بروج/۱۳) (ترجمه: اوست که به حقیقت نخست خلق را بیافریند و باز (پس از مرگ به عرصه قیامت) برگرداند) تضاد بین دو فعل «يُبْدِيهِ» و «يُعِيدُهُ» وجود دارد. هر دو فعل در شکل فعلی و مضارع آمده‌اند. مضارع بیان شدن این دو فعل به استمرار این صفات الهی در همه زمانها و مکانها اشاره دارد.

(وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ) (بروج/۱) (ترجمه: قسم به آسمان بلند که دارای کاخهای با عظمت است). السماء در معنی عام و شامل تمام آسمان‌ها می‌باشد و بروج در معنای خاص و به معنی ستارگان است. از این رو بروج به نوعی خاص تحت نظر و شمولیت آسمان قرار می‌گیرند.

(النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ) (بروج/۵) (ترجمه: همان آتش سختی که (آن مردم ظالم به جان خلق) برافروختند) رابطه عام و خاص بین نار و ذات الوقود وجود دارد و ذات به نوعی پیوند دهنده بین عام و خاص شده است.

(إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ) (بروج/۱۰) (ترجمه: آنان که مردان و زنان با ایمان را به آتش فتنه سوختند و توبه نکردند، بر آنها عذاب جهنم و آتش سوزان دوزخ مهیاست) بین عذاب جهنم و عذاب حریق نوعی ارتباط عام و خاص و شمول معنایی وجود دارد. به نوعی اولی «عذاب جهنم» دومی را

«عذابُ الحریق» در برمی گیرد. دیدگاهی نیز در بین مفسرین وجود دارد که عبارت «فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ» را اشاره به عذاب اخروی و جمله «و لَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ» را اشاره به عذاب دنیوی می داند (قرطبی، ۲۰۱۲م، ج ۱۹، ص ۱۹۴) و اگر بنا بر این معنا حساب شود، می توان گفت در بین این دو نوعی تضاد وجود دارد.

(انَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ) (بروج/۱۱) (ترجمه: آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند بر آنها البته (در بهشت) باغ‌هایی است که زیر درختانش نهرها جاری است. این بهشت ابد به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است.) رابطه عام و خاص بین جَنَّاتِ که در معنای عام آمده و «تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» که در معنای خاص است و دال بر نعمت‌های مخصوص بهشتی می‌کند، وجود دارد.

(هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ) (فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ) (بروج/ ۱۷-۱۸) (ترجمه: آیا احوال جنود (شاهان گذشته) بر تو حکایت شده است؟ داستان فرعون و قوم ثمود (که به کیفر کفر و دشمنی با رسل هلاک شدند)) شمول معنایی بین سپاهانی که شامل سپاه فرعون و قوم ثمود می‌باشد وجود دارد. در هریک از این روابط، در هر طبقه بندی درک مفهوم واژگانی منوط به درک دیگر اقلام واژگانی، سلسله مراتب و ارتباط میان آنها می باشد. واکاوی در این مراحل در واقع ایدئولوژی حاکم بر نص را مشخص می کند.

۲.۱.۴ بافت بیرونی متن

۱.۲.۱.۴ تکرار

تکرار در قرآن دارای سطوح مختلف همچون تکرار واژگان، عبارات و آیات است. آوردن بخش‌هایی از یک داستان با الفاظ و ترکیب‌های یکسان یا نزدیک به هم نیز فصاحت و بلاغت قرآن را نشان می‌دهد.

خداوند در سوره بروج در آیات (یک تا سوم) با آوردن قسم و تکرار واو قسم آیات را مؤکد و متقن ساخته است تا بیشتر بر جان مخاطب بنشیند. بیشترین حرفی که در سوره بروج به چشم می‌خورد حرف (د) می‌باشد که در این آیات و بقیه آیه های این سوره دیده می شود. (وَالْيَوْمَ الْمَوْعُودِ) و (وَشَاهِدِ وَمَشْهُودِ) (قُتِلَ أَصْحَابُ الْأَخْذُودِ) (النَّارِ ذَاتِ الْوُجُودِ) (إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ) (وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ) (بروج/ ۲-۷) (ترجمه: قسم به روز موعود (قیامت که وعده‌گاه خلائق است و قسم به شاهد و به مشهود، قسم به اینان که

اصحاب اخدود همه کشته شدند. همان آتش سختی که (آن مردم ظالم به جان خلق) برافروختند که بر کنار آن خندق‌های آتش نشستند و سوختن مؤمنانی که به آتش افکندند مشاهده می‌کردند.) تکرار این حرف صلابت و استحکام در سخن را می‌رساند. این صامت بیانگر خشونت، سختی، درشتی و سر و صداست و تکرار آن در پایان آیات مهابت روز قیامت را بیان می‌کند. این لحن سنگین در تألیف حروف و ترتیب آنها کنار یکدیگر هم بیانگر شدتی است که در کلام وجود دارد و جنبه عبرت و نصیحت هم دارد. در واقع پند و نصیحت از موضوعاتی است که معمولاً لطافت در آن کم‌رنگ است و بیشتر به حالت تحکم گرایش دارد و این امر با تکرار این حرف در سوره بروج به خوبی نمایان است.

۲.۲.۱.۴ ذکر اماکن

اهمیت بعد مکانی برای تجسم فضا در ذهن مخاطب از اهمیت زیادی برخوردار است. بررسی اماکن و حوادث و سرگذشت‌های درس‌آموزی که در آن رخ داده است، شناخت جدید و ارائه بهتری از آیات را به دست می‌دهد. (بحراوی، ۱۹۹۰، ص ۹) خداوند تعداد ویژگی‌های مردم و شهر آنان (برخی از اقوام گذشته) را دقیقاً مشخص نکرده است و همچنین در بیان داستان‌های امم گذشته، معمولاً به زمان و مکان وقوع آنها و تفصیل جملات آنها نمی‌پردازد، اگر در مشخص کردن این امور خیری برای مردم وجود داشت، آن را مشخص می‌کرد. آیات «۱۷-۱۸» سوره بروج فقط به بیان آن مقدار از حادثه می‌پردازد که برای عبرت‌گیری و ارائه سنن اجتماعی مفید باشد و به این صورت گفتمان حاکم را مفید برای انتقال به مرحله تبیین قرار می‌دهد.

در آیه «قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ» از اصحاب اخدود صحبت می‌کند یعنی کسانی که خندق می‌کنند و «النَّارُ ذَاتُ الْوَقُودِ» نام منطقه‌ای است که در آن آتش افروختند. به روایت مفسرین این اتفاق در شمال یمن در نجران رخ داد که در آن منطقه گروهی از مؤمنان حضور داشتند که بر آئین نصرانیت بودند. ذوالنواس که از سلسله پادشاهان گروه حمیر بود به سمت آنها لشکر کشید که بر آیین یهود درآیند و چون مؤمنان آن منطقه نپذیرفتند، ذوالنواس دستور داد تا خندقی عظیم کنند و هیزم در آن ریختند و گروهی را زنده زنده در آتش سوزاندند و گروهی را با شمشیر کشتند و قطعه قطعه کردند (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۱۴) انتخاب دقیق و درست داستان به حقیقت ماندنی آن کمک می‌کند.

۳.۲.۱.۴ تصویرپردازی

تصویر یکی از اساسی‌ترین اصطلاحات نقد ادبی است. (فتوحی، ۱۳۸۵، ص ۴۴) قرآن کریم در هریک از آیات خود تصویری از انسان و محیط پیرامون او را در شکل داستان بیان کرده است تا نزدیک‌ترین ارتباط را با مردم داشته باشد و این تصویر پردازی‌ها بسیار دقیق و خیال انگیز است. در آیات (۵-۸) با بهره‌گیری از کلامی آهنگین و موزون موضوع کشته شدن اصحاب اخدود را به خوبی برای مخاطب به تصویر می‌کشد، تصویری که به خوبی مظلومیت مؤمنین آن عصر که قربانی این قوم ظالم شده بودند و ایمان و اعتقادشان به خداوند و پایداریشان در راه دین حق در حالیکه گرفتار سخت‌ترین شکنجه‌ها و مرگی وحشتناک شدند را به خوبی به تصویر کشیده است. در آیه پنجم سوره بروج، نوع ترکیب واژه‌ها و کیفیت ارتباط آنها با آیه پیشین، چگونگی آتش گودال را تصویر می‌کند. «النار ذات الوقود» از یک سو بدل اشتمال بودن «النار» نسبت به «الأخدود» حکایت از این دارد که گودال سراپا و یکپارچه در آتش شعله‌ور بوده است و از سوی دیگر فراوانی همزم و انبوه بودن آتش را به تصویر می‌کشد. با بررسی حالت‌های گفتاری، رفتاری، ظاهری شخصیت‌های داستان و یادآوری سرنوشت عاد و ثمود و نمای کلی از آنها، تصویری زنده و پویا در نزد مخاطب ایجاد کرده است.

۴.۲.۱.۴ صحنه‌پردازی

زمان و مکانی را که در آن عمل داستانی صورت می‌گیرد، صحنه می‌گویند. کاربرد درست صحنه بر اعتبار و قابل قبول بودن داستان می‌افزاید. پس می‌بینیم که صحنه داستان تا چه حد وابسته به عوامل زمان و مکان است و اگر این دو عامل درست مورد استفاده قرار گیرند، صحنه داستان در طبیعی‌ترین شکل خود صورت می‌گیرد و باور خواننده را مخدوش نمی‌کند. احتیاجی نیست که مکان و زمان داستان دقیقاً مشخص شود بلکه مختصات آن مهم است. (جزینی، ۱۳۸۵، ص ۳۴)

صحنه بر دو گونه است:

الف) فراخ نظر: صحنه‌ای که چشم‌اندازی وسیع از نمای کلی و جزئی داستان به ما می‌دهد.

ب) نمایشی: در این شیوه نویسنده گفتگوها و اعمال شخصیت‌ها را همان‌طور تصویر می‌کند که اتفاق افتاده است. (یونسی، ۱۳۶۹، ص ۲۵۲)

صحنه داستان اصحاب اخدود فراخ نظر بوده و اتفاقاتی که برای اصحاب اخدود افتاد را به طور کلی روایت کرده و به نمای کلی داستان پرداخته است. در واقع قرآن در گزارش حادثه اخدود، بر آن است که یکی از قهرآمیزترین برخوردهای صورت گرفته با مؤمنان در طول تاریخ ادیان توحیدی و همچنین حماسی‌ترین مقاومت یگانه پرستان بر سر ایمان خویش را به تصویر درآورد. (تصویر فراخ نظر) صحنه اصلی حادثه در دو آیه «۶-۷» سوره بروج به تصویر کشیده شده است. این دو آیه نشان می‌دهد که گروهی از کافران به کارهایی همچون برافروختن آتش، آوردن مؤمنان به کنار گودال، واداشتن آنها به ارتداد و افکندن سر بازماندگان در آتش پرداخته در حالیکه گروهی دیگر همچون سران آنها نظاره‌گر سوختن مؤمنان در آتش و فریادهای جانسوز آنها بودند. این صحنه نشان دهنده نوع گفتمان حاکم بر آیات، مبنی بر اینکه سوزاندن مؤمنان نوعی تفتن و سرگرمی همراه با خوشحالی برای کفار و نیز نوعی عدم واکنش از طرف مؤمنان که حاکی از اندک بودن تعداد آنها در برابر گروه مشرکین است، را دربردارد.

۲.۴ سطح تفسیری

فهم زبان یک متن و فهم معنا و دورن مایه‌های آن در سبک شناسی، تفسیر زبان است که از تجزیه و تحلیل الگوهای صوری و معنایی حاصل می‌شود و به بررسی میزان اهمیت یافته‌ها برای تفسیر معنای کلی متون می‌انجامد. (مکاریک، ۱۳۸۳، ص ۹۷)

از نظر فیرکلاف قلمروهای تفسیر زمینه متن، مانند زمینه‌های بینامتنی بر آگاهی‌های پیشین، نظیر نظم‌های اجتماعی و کنش‌های متقابل تاریخی منطبق است. در واقع مرحله تفسیر روشن می‌سازد که طرفین درگیر در گفتمان مستقل نیستند. (فیرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۲۱۵) تفسیرها، ترکیبی از محتویات متن و ذهنیت مفسر است که در تفسیر متن به کار می‌رود. در این سطح موارد زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱.۲.۴ بافت موقعیتی

بافت موقعیتی، موقعیتی عینی است که در آن گفتمان بیان می‌شود و در برگیرنده تمامی پارامترهایی است همچون مکان، زمان، هویت و ماهیت روابطی که طرفین را با یکدیگر درگیر می‌کند. (همان) زمان و جامعه دو رکن اجتناب‌ناپذیر این سطح بافتی هستند. عنصر زمان در سوره بروج، رشته‌ای از حوادث متوالی است و این عنصر در سوره بروج حضوری

زنده، آگاه و معنادار دارد. در این سوره با افراد جامعه‌ای روبرو هستیم که علاوه بر دفن رسول باطنی و عدم ایمان به رسول ظاهری به شکنجه کسانی می‌پردازند که ندای فطرت خود را گوش کرده و به پیامبر ایمان آورده‌اند. برای دریافت تعالیم متن مقدسی چون قرآن کریم، تحلیل جامعه‌شناختی و تاریخی آن ضروری است. چون بافت فرهنگی اجتماعی که در میان دانشمندان علوم قرآنی سیاق گسسته آیات نامیده می‌شود، شامل مباحثی از قبیل شأن نزول آیات و مکی و مدنی بودن آنها است. شناخت مخاطب از هر آیه در مطالعه بافت موقعیتی آیات بررسی می‌شود.

۱.۱.۲.۴ آگاهی مخاطب از سوره

سوره بروج سوره‌ای مکی است که در ۲۲ آیه و با ۱۰۹ کلمه و ۴۶۸ حرف بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است. (رازی، ۱۳۷۱، ج ۲۰، ص ۲۰۷) معنی واژگانی بروج یعنی قصر یا عمارت و محل بسیار بلند و جمع بُرج است. وجه تسمیه این سوره مبارکه به تناسب سوگند بیان شده در آیه ابتدایی سوره است. معرفی ستارگان و یا صورت‌های گوناگونی که در شکل موجودات روی زمین در آسمان جلوه‌گر و برای ما ظاهر می‌شوند و نظر انسان را برای اسرار و حقایق نهفته این موجودات جلب می‌کنند در این آیات برجسته شده‌اند. سرگذشت عبرت‌انگیز اصحاب اخدود، کیفر بندگان در روز جزا، سرنوشت سعادت آمیز مؤمنان و بندگان صالح خداوند در روز جزا، صفات و افعال خداوند، اشاره به داستان فرعون و قوم ثمود و لجاجت کفار، عظمت قرآن و اصالت و اعتبار آن از موضوعات مطرح شده در این سوره است. برجسته‌ترین شخصیت‌های بیان شده در این آیات الهی اصحاب اخدود، کفار، مؤمنان، اشاره به فرعون و قوم ثمود هستند. (طبرسی، ۱۴۲۷، ج ۱۰، ص ۷۰۹)

با توجه به اینکه این سوره از سوره‌های مکی است، چنین به نظر می‌رسد که هدف اصلی از نزول آن تقویت روحیه مؤمنان در برابر دشمنان و تشویق آنان به پایمردی است و در همین رابطه داستان اصحاب اخدود که خندق‌ها را کردند و آتش عظیمی در آنها افروختند و مؤمنان را در آتش سوزاندند حکایت می‌شود و سپس به کفاری اشاره دارد که مؤمنان را تحت فشار قرار دادند و عذاب خداوند در مورد آنها و بشارت خداوند در مورد مؤمنان را عنوان می‌کند. در مقطع پایانی نیز به گذشته تاریخ اشاره شده و سرگذشت فرعون و قوم ثمود را بیان می‌کند و سوره با بیان عظمت قرآن مجید و صفات خداوند متعال به پایان می‌رسد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۲۶، ص ۳۴۷) معیار زمان و مکان و بارز بودن

مخاطب در آن، از ویژگی‌های برجسته این سوره مکی است. در آیه (هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ) (بروج/۱۷) (ترجمه: آیا خبر آن سپاهیان به تو رسیده است؟) این خطاب قرار گرفتن آشکارا بیان شده است.

۲.۱.۲.۴ بینامتنیت

بینامتنیت بر این اندیشه است که متن نظامی بسته، مستقل و خود بسنده نیست، بلکه پیوندی دو سویه و تنگاتنگ با سایر متون دارد. (مکاریک، ۱۹۵۱، ص ۷۲) اما ساختارهای درونی نص قرآن، همواره تابعی از ساختارهای کلان جهان شمول نیست، بلکه خود سازنده این ساختارهاست. در واقع بینامتنیت مرحله‌ای از تناسب‌سازی در تفسیر آیات قرآن است، اگر چه قرآن کریم از لحاظ ساختار متنی مستقل است اما چارچوب کلی قرآن که با ادبیات و آهنگ خاصش بر پیامبر اکرم (ص) الهام شده و در اختیار ما انسان‌ها قرار گرفته، گاهی در بیان داستان‌های خود به نقل قول‌هایی که در بعضی از ادیان رواج داشته پرداخته و یا به ارتباط یک سوره با سوره دیگر و ارتباط یک حادثه یا اتفاق با حادثی که در گذشته بوده اشاره داشته است، نظیر یاد آوری واقعه قوم ثمود و سپاه فرعون در این سوره که مربوط به قبل از اسلام بوده و آوردن اسم آنها به شکل بینامتنی در سوره بروج در آیات «هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ» و «فِرْعَوْنَ وَ ثَمُودَ» بسیار برجسته بوده و مخاطب را به همراهی با سوره مبارکه تشویق می‌کند.

در این سوره به‌طور کلی به این دو قوم اشاره شده است و شرح داستان را حکایت نمی‌کند و این مسئله ارتباط معنایی سوره بروج را با سوره‌های دیگر و رابطه بینامتنیت آن را به خوبی نشان می‌دهد. این امر درهم تنیدگی معنایی در عمق عبارات متعدد سوره‌های قرآن را نمایان می‌سازد و حاکی از ارتباط قوی در بافت روایی و موضوعی قرآن کریم می‌باشد مانند وحدت موضوعی که در سوره بروج وجود دارد. بررسی رویکردهای نظم محتوایی درون سوره‌ای (بینامتنیت - بافت موقعیتی) و مرحله برون سوره‌ای آیات (در سطح توصیف) به ما ثابت می‌کند که نظم قرآن برای بافت موضوعی اهمیت زیادی قائل است.

۳.۴ سطح تبیین

تبیین به شالوده اجتماعی و جریان کنش‌های اجتماعی می‌پردازد. (فیرکلاف، ۱۳۷۹: ص ۲۴۵) بافت اجتماعی و فرهنگی تأثیر بسیار بیشتری نسبت به بافت متن و فرایند تولید

و تفسیر دارد. هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است. تبیین، گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند. (آقاگلزاده، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹) نورمن فیرکلاف معتقد است تحلیل گفتمان امری تفسیری و تبیینی است که به بررسی مشکلات اجتماعی و تحلیل ایدئولوژیک متون می‌پردازد. از نظر فیرکلاف تنها توصیف برای تحلیل گفتمان کافی نیست و باید از سطح توصیف به سطح تبیین رسید. به باور فیرکلاف عامل فرهنگ، گفتمان و جامعه را به هم مرتبط می‌کند. (همان، ص ۱۵۸)

سطح تبیینی گفتمان سوره بروج، فضای سوره را به گونه‌ای برای مخاطب پدید آورده است که پیام‌های اصلی سوره به راحتی به مخاطب منتقل می‌شود. دعوت مؤمنان به مقاومت فرهنگی تا پای جان برای حفظ هویت دینی و عدم پذیرش باورها و ارزش‌های غیرتوحیدی از پیام‌های اصلی این سوره به شمار می‌روند. رفتارهای گفتمانی مادامی که به حفظ تاثیر یا روابط قدرت یاری می‌رسانند، بار ایدئولوژیک خواهند داشت. (فیرکلاف، ۲۰۰۱: ۹۱) از این رو گفتمان این سوره اشاره به ویژگی برجسته مقاومت مؤمنان دارد که قرآن چنین پایداری را از مصادیق صبر در طاعت و جهاد فی سبیل الله می‌داند. در حقیقت سوره بروج جلوه‌ای از فداکاری در حفظ ایمان در گذشته و حال را نشان می‌دهد و بقایای آیین‌های الهی در گذشته و امروز بدون چنین ایثارگری‌هایی امکان‌پذیر نبوده است.

گفتمان سوره بروج رابطه مقاومتی موجود در سطح جامعه را نشان می‌دهد. لایه‌های درونی این سوره با هشدار به شکنجه‌گران مبنی بر اینکه سرنوشت اقوام مشابه خود را در گذشته تاریخ به یاد آورند، اشاره به این مسئله دارد که قهر و کیفر از شئون ربوبیت است و در جهت پیشبرد اهداف رسالت و دلداری پیامبر است. (إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ) (بروج/۱۲) (ترجمه: آری عقاب پروردگارت سخت سنگین است). متکلم در سوره بروج با بیان داستان قوم اخدود، قصد تأیید گفتمان آن، استقامت در طریق حفظ ایمان و نفی هر گونه شرک و بت پرستی را دارد. در آیات (۴-۷) سوره بروج نیز اشاره به موقعیت مکانی اخدود شده است که خندق‌هایی را در آنجا کنده بودند و مؤمنان را در داخل آن می‌سوزاندند و به دلیل این جنایت یک مکان ویژه شناخته شده است. در این سوره خداوند به ملاک‌ها توجه دارد نه به افراد. گفتمان سوره در معرفی افراد اخدود به مکانی اشاره می‌کند که در آنجا گودال‌هایی را کنده و مؤمنان را در آن می‌سوزاندند اما اشاره‌ای به هویت و جنس آنان نمی‌کند بلکه به بیان ارزش‌های اجتماعی حاکم در جامعه آن زمان پرداخته است. مومنانی

که در آن جامعه، تا پای جان به ایستادگی و دفاع از ارزش‌های جدیدی که رسول خدا برایشان به ارمغان آورده بود، پرداختند. این پایداری و مقاومت، درسی است برای تمام جوامع در طول تاریخ بشریت که باید این ارزش‌ها را بشناسند و تاریخ یاد این فداکاران را زنده نگه دارد.

۵. نتیجه‌گیری

پس از بررسی تحلیل گفتمان انتقادی سوره بروج از منظر نورمن فیرکلاف مشخص می‌شود که:

۱. در تحلیل و بررسی هر متنی باید تعاملات متن و فرامتنی را در چارچوب گفتمانی مورد بررسی قرار داد. بُعد داخلی تحلیل هر متنی بویژه قرآن مجید متأثر از رابطه قدرت و زبان بوده و در سه لایه توصیفی، تفسیری و تبیینی صورت می‌پذیرد، بررسی ساختارها و روابط سیاسی و اجتماعی و سیاسی موجود در لایه‌های متنی آیات الهی خارج از عرصه تحلیل گفتمانی قرار می‌گیرد.

۲. بافت متنی قرآن کریم از عناصری شکل گرفته که منجر به خلق گفتمان در آیات الهی می‌شوند. این عناصر گفتمانی در فرایند بوجود آمدن ساختار کلی سوره بروج و در تفسیر و تبیین ارزش‌های اخلاقی - تربیتی این سوره و بازتاب اثرات مثبت آن بر بشریت بیش از پیش تأثیرگذار است.

۳. در سطح توصیفی و بررسی بافت بیرونی سوره بروج مواردی همچون وجود تکرار در سوره باعث شده که این آیات کلامی مؤکد و متّفن باشند. بررسی اماکن در تجسم فضای موجود در آیات در ذهن مخاطب تأثیرگذار بوده و مفاهیم مورد نظر از آیات الهی سوره بروج را به خوبی به هر مخاطبی در هر زمانی منتقل می‌سازد.

۴. ایمان و یقین مؤمنان در برابر قومی ستمگر به گونه‌ای به تصویر کشیده شده است که ژرفای بی رحمی و سبعت این قوم ستمگر منجر به آفرینش تصاویر کلی و ادبی در سوره شده است.

۵. در سطح تفسیری، بافت موقعیتی سوره که مواردی چون شأن نزول آیات و مکی بودن سوره و شناخت بهتر مخاطب را دربردارد، شامل می‌شود و سوره از نظر بافت درونی یا بینامتنیت که مرحله‌ای از متناسب‌سازی در تفسیر آیات قرآن کریم است ارزیابی

تحلیل گفتمان انتقادی سوره بروج از منظر نورمن فیرکلاف (محمدنبی احمدی و فرشته یزدانی) ۲۳

می‌شود. در سوره بروج با آوردن نام‌های سپاه فرعون و قوم ثمود به داستان‌های تاریخی که قبل از اسلام وجود داشته، اشاره شده است.

۶. گفتمان ارائه شده در سطح تبیینی سوره بروج برآن است تا فضایی را برای مخاطب ایجاد کند که اهداف تربیتی سوره که عبارتند از دعوت مؤمنان به مقاومت فرهنگی تا پای جان برای حفظ هویت دینی و عدم پذیرش باورها و ارزش‌های غیرتوحیدی، به راحتی به مخاطب منتقل شده و بیش از پیش بر اعجاز کلام الهی در هر برهه‌ای از زمان و مکان تأکید ورزد.

پی‌نوشت‌ها

۱. نورمن فیرکلاف (۱۹۴۱) زبان‌شناس و پژوهشگر بریتانیایی و استاد بازنشسته دانشگاه لنکستر است که یکی از بنیانگذاران تحلیل گفتمان انتقادی به‌شمار می‌رود. او نخستین کتابش را با عنوان "زبان و قدرت" در سال ۱۹۸۹ در این زمینه نوشت.

کتاب‌نامه

- قرآن کریم.
آقاگلزاده، فردوس (۱۳۸۵) *تحلیل گفتمان انتقادی*، ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
آقاگلزاده، فردوس (۱۳۸۶) *تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات*. ادب پژوهی، ش ۱.
آوسی، محمود بن عبدالله (۱۹۹۴) *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، محقق علی عبدالباری عطیه، لبنان، بیروت: دار الکتب العلمیه.
ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۹۹۲) *تفسیر ابن کثیر*، لبنان، بیروت: دار الکتب العلمیه.
بحراوی، حسن (۱۹۹۰) *بنیه الشكل الروائیة*، مرکز الثقافی العربی، الطبعة الأولى، لبنان، بیروت: الدار البيضاء.
پالتریج، برایان (۱۳۹۵) *درآمدی بر تحلیل گفتمان*، مترجم: طاهره همتی، ایران، تهران: انتشارات نویسه پارسی.
جزینی، محمد جواد (۱۳۸۵) *القبای داستان نویسی*، تهران: انتشارات هزاره ققنوس.
حقیقت، سید صادق (۱۳۸۷) *روش شناسی علوم سیاسی*، قم: دانشگاه مفید.
رازی، حسین بن علی (۱۳۷۱) *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مصحح محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، ایران، مشهد، آستان قدس رضوی: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

رستمی، عواطف (۱۳۸۶) *تحلیل گفتمان انتقادی*، پایان نامه دکترای زبان شناسی، اصفهان: دانشگاه اصفهان.

سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۷) *قدرت و گفتمان و زمان*، ایران، تهران: انتشارات نی.

طاووسی، ابوالقاسم (۱۴۲۱) *سعد السعود للنفوس*، به کوشش فارس تبریزیان، ایران، قم: نشر دلیل.

طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۲۷) *مجمع البیان فی تفسیر قرآن*، لبنان، بیروت: ناشر دارالمرتضی.

عضدانلو، حمید (۱۳۸۰) *گفتمان و جامعه*، ایران، تهران: انتشارات نی.

فتوحی، محمود (۱۳۸۵) *تصویر بلاغت قرآن*، ایران، تهران: نشر سخن.

فیرکلاف، نورمن (۱۳۷۹) *فراسوی ساختارگرایی و هرمنوتیک*، ترجمه حسین بشیریه، ایران، تهران: نشر نی.

قرطبی، محمد بن احمد (۲۰۱۲ م) *تفسیر قرآن*، جلد ۱۹: ضیاء القرآن.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). *تفسیر قمی*، ایران، قم: دارالکتاب.

معرفت، محمد هادی (۱۹۹۰ م) *تفسیر المنار*، مصر، قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰) *تفسیر نمونه*: دارالکتب الاسلامی.

مکاریک، ایرنا ریما (۱۹۵۱) *دانش نامه نظریه های ادبی معاصر*، ترجمه: مهران مهاجر و محمد نبوی، ایران، تهران: نشر آگه.

ملبونی، محمد تقی (۱۳۷۶) *تحلیل نواز قصص قرآن*، ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.

نیستانی، محمود (۱۳۷۹) *تحلیل گفتمان انتقادی در عمل، تفسیر، تبیین و جایگاه تحلیل گر، تحلیل*

گفتمان انتقادی نورمن فیرکلاف، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.

ون دایک، تئون (۱۳۸۷) *مطالعاتی در تحلیل گفتمان (از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی)*، ترجمه

شعبانعلی بهرامپور، ایران، تهران: دفتر مطالعات و رسانه ها.

یار محمدی، لطف الله (۱۳۸۳) *گفتمان شناسی رایج و انتقادی*، ایران، تهران: نشر هرمس.

یونسی، ابراهیم (۱۳۶۹) *هنر داستان نویسی*، تهران: نشر نگاه.